

## کی مسئول است؟! کی

(ترجمه)

کی مسئول است؟ سؤالی که بسیاری مطرح می‌کنند و در پی یافتن پاسخی قانع‌کننده برای آن هستند؛ پاسخی که بتواند هدف را محقق کند و این درد را برای همیشه با نابودی رژیم بیهود و آزادسازی فلسطین پایان دهد.

برخی از این افراد، از حجم فاجعه، شدت کشتارها، قساوت درد و جراحات، و تعداد زیاد کشته‌ها، مجروحان و ویرانی‌ها شوکه شده‌اند و نتوانسته‌اند در جستجوی پاسخ این سؤال، از مرز دلایل و عوامل فراتر بروند. این افراد تمام توجه خود را معطوف به شناسایی طرف یا طرف‌های مسئول فجایعی کرده‌اند که از 7 اکتبر 2023م، تاکنون در غزه رخ داده است.

از سوی دیگر، برخی از این افراد در تفکر خود کمی جلوتر رفته‌اند و به دنبال راه‌حل و راهی برای رهایی از این وضعیت هستند و می‌پرسند چه کسی یا چه کسانی قادر به توقف این جنگ جنایت‌کارانه علیه غزه و تحقق راه‌حل هستند. بعضی از آنان حتی چیزی شبیه به طرح‌ها و پیشنهادهایی برای خروج از بحران و جلوگیری از بدتر شدن اوضاع ارائه داده‌اند، به گمان اینکه این پیشنهادهای مؤثر خواهند بود.

فرض می‌کنیم که همه کسانی که به دنبال راه‌حل هستند، بحث می‌کنند و ابتکار عمل به خرج می‌دهند، با نیتی خالص و تمایلی صادقانه برای پایان دادن به رنج‌ها و متوقف کردن فاجعه پیش می‌روند. بنابراین، در مورد نیت هیچ فرد یا نهادی تحقیق نخواهیم کرد و از گرایش‌ها، برنامه‌ها و وابستگی‌های آنان چشم‌پوشی می‌کنیم. آنچه برای ما اهمیت دارد، هدف و غایت در توقف جنگ و نابودی است.

با این حال، با نگاهی به این تلاش‌ها و کوشش‌ها و راه‌حلهایی که ارائه می‌شود، متأسفانه باید گفت که این‌ها محکوم به شکست هستند، نتیجه‌ای نخواهند داد و به اهداف خود نخواهند رسید؛ بلکه زبان آن‌ها برای فلسطین بیشتر از منفعت‌شان است، چرا که مبنایی که از آن حرکت می‌کنند نادرست است. این تلاش‌ها و کوشش‌ها همچنان در یک چرخه باطل خواهند چرخید و بی‌ثمر خواهند ماند، بدون آن‌که به اهداف خود دست یابند. وضعیت به همین شکل باقی خواهد ماند، اگر بدتر نشود.

کسی که تاریخ را به خوبی بخواند، قطعاً به این حقیقت پی خواهد برد. از نظر تاریخی، با وجود تلاش‌ها و ابتکارات گسترده‌ای که برای حل این قضیه انجام شده، هیچ قدمی به سوی رهایی برداشته نشده است؛ بلکه همواره نتایجی معکوس به بار آورده و قضیه را از بد به بدتر کشانده است.

«هیچ‌کس جز خودت نمی‌تواند گره از کارت بگشاید»، عبارتی است که بسیاری از افراد هنگام بحث درباره راه‌حل قضیه فلسطین آن را تکرار می‌کنند. مشکل دقیقاً در همین جا نهفته است؛ زیرا این عبارت قضیه فلسطین را بر اساس یک نگاه ملی خلاصه می‌کند، به گونه‌ای که گویی این قضیه تنها به مردم فلسطین مربوط است و لازم است آن‌ها به تنهایی، با دست‌ها و تلاش‌های خودشان آن را حل کنند. بر این اساس، قضیه فلسطین یک قضیه صرفاً ملی تلقی می‌شود و هرگونه کمکی که از

طرف دیگران، چه اعراب، چه مسلمانان و چه کشورهای دیگر جهان ارائه شود، صرفاً در چارچوب حمایت و پشتیبانی قرار می‌گیرد.

این نگاه ملی که برخی آن را درمان می‌پندارند، در حقیقت ریشه اصلی درد و عامل ناتوانی در رسیدن به راه‌حلی برای پایان دادن به فاجعه فلسطین و مردم آن است. این قضیه را می‌توان از جهات زیر مورد بررسی قرار داد:

1- اصل در میان مسلمانان این است که به تمام امور خود، چه شخصی و چه عمومی، از منظر احکام شرعی نگاه کنند. قضیه فلسطین نیز باید بر اساس شرع الله سبحانه و تعالی و احکام آن بررسی شود، نه بر اساس واقعیت‌های تحمیلی، از جمله آنچه به اصطلاح «قانون بین‌المللی» نامیده می‌شود.

2- نباید هیچ انسان عاقلی هنگام بررسی قضیه فلسطین، طمع‌ها و اهداف استعمارگران کافر در سرزمین‌های مسلمانان را نادیده بگیرد. ارتباط با کشورهای غربی کافر و تعامل با پیشنهادهای و تصوراتی که آن‌ها برای حل این قضیه ارائه می‌دهند، افتادن در دام آن‌ها و نابود کردن قضیه فلسطین است، در حالی که به‌ظاهر به دنبال راه‌حل هستیم. هیچ خیری از دشمنان الله سبحانه و تعالی انتظار نمی‌رود، هرچند شیطان آن را زیبا جلوه دهد.

3- قضیه فلسطین نتیجه طبیعی از هم پاشیدن وحدت مسلمانان و نابودی دولت خلافت است. با سقوط خلافت، فلسطین و تمام سرزمین‌های اسلامی از دست رفتند.

درست است که از نظر عملی، آزادسازی فلسطین به وجود دولت خلافت وابسته نیست؛ هر حرکت خالصانه از جانب هر یک از ارتش‌های مسلمانان، در چارچوب امکانات موجودشان، می‌تواند این امر را محقق کند، بدون این که نیازی به وجود دولت خلافت باشد. اما با بررسی موانع چنین حرکتی از سوی ارتش‌های مسلمان، درمی‌یابیم که نظام‌های حاکم بر سرزمین‌های اسلامی سد محکمی در برابر تحقق این امر هستند. بنابراین، هر ارتشی که قصد حرکت برای آزادسازی فلسطین را دارد، باید ابتدا حرکت خود را با سرنگونی نظام حاکمش آغاز کند و تلاش کند رهبری امین و خالص برگزیند تا از قیود موجود رها شود، اختیار امور خود را به دست گیرد و حرکتش را به سوی فلسطین ادامه دهد. از آنجا که «هر واجبی که بدون تحقق مقدمه‌ای ممکن نیست، آن مقدمه نیز واجب می‌شود»، این امر نیز واجب است.

4- پذیرش مفکوره ملی‌گرایی و ایجاد روابط و پیوندها بر این اساس، چه با کسانی که در مرزهای وطن خیالی قرار دارند و چه با کسانی که خارج از آن هستند، جرم است. این عمل مشارکتی با استعمارگر کافر در پراکندگی امت اسلامی و نابودی آن است و خدمتی به نقشه‌های استعمارگر کافر در سرزمین‌های ما محسوب می‌شود.

حالا مجدداً به ابتدای این مبحث برمی‌گردیم و سؤال هم‌چنان باقی است: مسئولیت آزادسازی فلسطین بر عهده چه کسی است و چه کسی توانایی واقعی تحقق آن را دارد؟

تقدیر الهی بر این بوده که مردم فلسطین در خط مقدم مواجهه با یهود باشند. آن‌ها به این تقدیر الهی راضی هستند، بلکه آن را افتخاری و کرامتی می‌دانند که الله سبحانه و تعالی به آنان بخشیده و آنان را بر بسیاری از بندگان خود برتری داده است. آن‌ها هرگز از مکلفیت و مسئولیت خود روی‌گردان نشده‌اند، عقب‌نشینی نکرده‌اند و تمام توان خود را در راه جهاد و

حفظ شعله مبارزه با یهود به کار گرفته‌اند. آن‌ها به فضل و یاری الله سبحانه و تعالی، ثابت‌قدم، صبور و امیدوار به پاداش الهی هستند و به عهد خود با الله سبحانه و تعالی پایبندند. مخالفت دیگران به آنان آسیبی نمی‌رساند. با این حال، این هرگز به این معنا نیست که با توجه به ضعف و تفرقه‌ای که امروز گریبان‌گیر امت اسلامی است، مسئولیت قضیه فلسطین بر دوش مردم فلسطین انداخته شود و بیش از توان شان از آنان انتظار رود. نباید آنان را تنها در برابر ابزار کشنده و جنایت رژیم یهود و حامیان آن از جمله تمام قدرت‌های کافر غربی رها کرد. هنگامی که مردم فلسطین فریاد می‌زنند و یاری می‌طلبند تا کسی ظلم را از آنان بردارد، کشتارها را متوقف و آتش فتنه‌ای را که آنان را می‌سوزاند خاموش سازد، برخی به جای حمایت، آنان را به‌خاطر جهادشان و مقاومت شان در برابر دشمن شان، که دشمن دین و امت آن‌ها نیز هست، سرزنش می‌کنند!

مسئولیت امروز به طور کامل بر عهده امت اسلامی از شرق تا غرب است و به‌ویژه به‌طور فوری بر دوش سرزمین‌های اطراف فلسطین قرار دارد. امت اسلامی موظف و مکلف است، نه از روی اختیار یا توصیه، بلکه به‌عنوان یک وجبیه شرعی، برای یاری برادران خود در فلسطین حرکت کند. این حرکت باید مؤثر و نتیجه‌بخش باشد، نه صرفاً احساساتی زودگذر که با اولین تهدید و ارعاب از سوی نظام حاکم، شور و حرارت خود را از دست بدهد و اجتماع شان پراکنده شود.

بر امت اسلامی واجب است که جاده‌ها و میدان‌های شهرهای خود را به میدان‌های مقابله با یهود تبدیل کنند، همان‌گونه که مردم فلسطین در برابر یهود بی‌هیچ ترس و تردیدی ایستادگی می‌کنند. خواسته آن‌ها باید یک هدف روشن و واحد باشد: سرنگونی نگهبانان یهود و به حرکت درآوردن ارتش‌ها. این پیام باید به ارتش‌های مسلمانان برسد، و مردم نباید میدان‌ها را ترک کنند تا زمانی که سربازان و فرماندهان به این ندای الهی پاسخ دهند. هرچند این راه نیازمند فداکاری‌های بزرگی باشد، این قربانی‌ها در مسیر آزادسازی قدس و مسجدالاقصی خواهد بود. هر چقدر این فداکاری‌ها سنگین باشد، باز هم کم‌تر از خسارت‌هایی است که امت از زمان سقوط قدرت و حاکمیت خود و غروب خورشید تمدنش تحمل کرده و هم‌چنان تحمل می‌کند. همان‌گونه که گفته‌اند: «دردی کوتاه‌مدت بهتر از رنجی همیشگی است.» صبری کوتاه، پیروزی به دنبال دارد، اما سستی و کوتاهی، سال‌ها حسرت و اندوه را به بار خواهد آورد.

اکنون برخیزید، حرکت کنید، صفوف خود را منظم کنید و به الله سبحانه و تعالی نشان دهید که برای او در مسیر خیر ایستاده‌اید و بدانید که وی وعده نصرت و یاری داده است:

﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [حج: ۴۰]

**ترجمه:** و حتماً الله یاری می‌دهد کسانی را که (دین) او را یاری دهند، الله (سبحانه و تعالی) نیرومند و چیره است (و با قدرت نامحدودی که دارد یاران خود را پیروز می‌گرداند و چیزی نمی‌تواند او را درمانده کند و از تحقق وعده‌هایش جلوگیری نماید).

برگرفته از شماره 522 جریده الرابیه

نویسنده: استاد خالد سعید

مترجم: محمد مزمل